

The Impact of the Financial Crisis on Tax Avoidance Behaviors: The Mediating Role of Earnings Management in Companies Listed on the Iraqi Stock Exchange

Saad Ali Abed Shuaib¹, Masoud Fooladi², Sadeq Jaafar Kadhim Al Attabi³, Saeid Sharifi⁴,
Maryam Farhadi⁵

¹ PhD. student, Department of Accounting, Faculty of International Studies, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Dhdhgydydh@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Accounting, Shahinshahr Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
(Corresponding author). Fooladi@shaiau.ac.ir

³ Assistant Professor, Diwaniyah Technical Institute, Al-Furat Al-Awsat University, Diwaniyah, Iraq.
Sadiqalataby68@gmail.com

⁴ Associate Professor, Department of Cultural Management and Planning, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Sa.sharifi@khuif.ac.ir

⁵ Assistant Professor, Department of Accounting, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
m.farhadi@mobarakeh.ac.ir

Abstract

Purpose: The objective of this study is to investigate the mediating role of earnings management in the relationship between the financial crisis and tax avoidance among companies listed on the Iraqi Stock Exchange.

Method: In the present study, observation, experimentation, and statistical methods were employed to collect data, categorizing it as fundamental-empirical research in terms of purpose. Additionally, since this study aims to examine the interrelationships between variables, it is classified as a correlational study. In terms of data type, it is documentary, and regarding implementation time, it is post-event. To test the hypotheses, combined data (year-company) with a retrospective nature were utilized. The study population comprised all companies listed on the Iraqi Stock Exchange from 2013 to 2022. From this population, 41 companies were selected as a statistical sample using a systematic exclusion method. To test the first three hypotheses of the study, we employed the multiple regression method utilizing mixed data. For the fourth hypothesis, we applied the Baron and Kenny method (1986) along with the Sobel test to examine the mediating effect of earnings management on the relationship between the financial crisis and tax avoidance.

Findings: The findings indicate that the financial crisis has a positive and significant impact on the company's tax avoidance strategies. Additionally, the financial crisis does not have a positive or significant effect on earnings management. However, increased earnings management significantly enhances the company's tax avoidance strategies. The role of earnings management as a mediator in the relationship between the financial crisis and tax avoidance was not substantiated. Consequently, only the first and third hypotheses of this study were supported.

Conclusion: Since the second hypothesis, which is a prerequisite for confirming the fourth hypothesis of the study, was not validated, the mediating role of earnings management in the

<http://sebaajournal.qom-iau.ac.ir/>

Received: 2024/10/02 ; Revised: 2024/11/17 ; Accepted: 2024/11/22 ; Published online: 2024/12/03

Publisher: Qom Islamic Azad University

Article type: Research Article

© The Author(s).



relationship between the financial crisis and tax avoidance cannot be accepted. The second hypothesis of the study posits that the financial crisis leads to an increase in earnings management. However, this hypothesis was not supported by the findings from companies listed on the Iraqi Stock Exchange. This may be because managers tend to employ alternative strategies during financial crises, such as adjusting the company's tax policy, utilizing tax exemptions, reducing real costs, increasing sales through marketing efforts, and other methods, rather than engaging in earnings management.

Keywords: Financial Crisis, Tax Avoidance Behavior, Earnings Management, Iraqi Stock Market.

تأثير بحران مالی بر رفتارهای اجتناب مالیاتی با نقش میانجی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس عراق

سعد علی عبد شعیب^۱، مسعود فولادی^۲، صادق جعفر کاظم العتایی^۳، سعید شریفی^۴، مریم فرهادی^۵

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Dhdhdydhdh@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). Fooladi@shaiu.ac.ir

^۳ استادیار، مؤسسه فنی دیوانیه، دانشگاه الفرات الأوسط، دیوانیه، عراق. Sadiqalataby68@gmail.com

^۴ دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Sa.sharifi@khuif.ac.ir

^۵ استادیار، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. m.farhadi@mobarakeh.ac.ir

چکیده

هدف: هدف تحقیق حاضر بررسی نقش میانجی مدیریت سود بر رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق می‌باشد.

روش: در پژوهش حاضر با توجه به اینکه برای گردآوری اطلاعات از مشاهده، آزمایش، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری و معیارهای پذیرفته شده استفاده شده، از نظر هدف، پژوهشی بنیادی-تجربی است. همچنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر درصدد بررسی اثر متغیرها بر یکدیگر است، یک پژوهش همبستگی می‌باشد. از لحاظ نوع داده‌ها، اسنادی بوده و از لحاظ زمان اجرا، پس‌رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌ها، از داده‌های ترکیبی (سال-شرکت) با ماهیت گذشته‌نگر استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل همه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۲۰۲۲ بودند، که از بین این شرکت‌ها، ۴۱ شرکت به عنوان نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند. برای آزمون سه فرضیه اول تحقیق از روش رگرسیون چندگانه با استفاده از داده‌های ترکیبی و برای فرضیه چهارم از روش بارون و کئی (۱۹۸۶)، و آزمون سوبل نیز برای بررسی تاثیر میانجی‌گری متغیر مدیریت سود بر رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: بحران مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین بحران مالی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مدیریت سود ندارد. مدیریت سود بیشتر، اجتناب مالیاتی شرکت را به شکل معنی‌داری افزایش می‌دهد. نقش میانجی‌گری مدیریت سود در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار نگرفت. در نتیجه تنها فرضیه‌های اول و سوم پژوهش حاضر تأیید شدند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه فرضیه دوم که یکی از پیش‌شرط‌های تأیید فرضیه چهارم پژوهش است، مورد تأیید قرار

http://sebaajournal.qom-iau.ac.ir/

استاد به این مقاله: عبد شعیب، سعد علی؛ فولادی، مسعود؛ کاظم العتایی، صادق جعفر؛ شریفی، سعید؛ فرهادی، مریم (۱۴۰۳). تأثیر بحران مالی بر رفتارهای اجتناب مالیاتی با نقش میانجی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس عراق. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسي*، ۴(۴)، ص ۸۹-۱۱۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

© نویسندگان.

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



نگرفت، لذا نمی‌توان نقش میانجی‌گری مدیریت سود را در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی پذیرفت. فرضیه دوم تحقیق بیان می‌دارد که بحران مالی، مدیریت سود را افزایش می‌دهد، در صورتی که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق این فرضیه تأیید نشد؛ زیرا ممکن است مدیران در شرایط بحران مالی به جای مدیریت سود از ابزارهایی مانند مدیریت سیاست مالیاتی شرکت، معافیت‌های مالیاتی، کاهش و صرفه‌جویی واقعی در هزینه‌ها، مدیریت افزایش فروش از طریق بازاریابی و... یا روش‌های دیگری استفاده نمایند.

کلیدواژه‌ها: بحران مالی، رفتار اجتناب مالیاتی، مدیریت سود، بازار بورس عراق.

۱. مقدمه

براساس تئوری علامت‌دهی، بحران مالی به عنوان یک خبر بد (منفی) در بازار تفسیر شده و واکنش منفی بازار نسبت به شرکت را در پی خواهد داشت. مدیران برای فرار از این وضعیت با تمسک جستن به رفتارهای فرصت‌طلبانه از قبیل اجتناب مالیاتی، باعث کاهش اقلام کاهنده سود شده و وضعیت شرکت را مطلوب نشان خواهند داد. بنابراین، اجتناب مالیاتی باعث افزایش حاشیه سود شرکت شده و امید نسبت به آینده شرکت را افزایش خواهد داد (خان^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). بحران مالی مخلوقی از ناتوانی مالی شرکت بوده و عمدتاً در شرایطی به وجود می‌آید که شرکت با کاهش جریان‌ات ورودی روبرو شده و نتواند به تعهدات خود عمل نماید. اجتناب مالیاتی را می‌توان نوعی ابزار تأمین مالی داخلی دانست که باعث پس‌انداز (صرفه‌جویی) بخشی از منابع مالی شرکت می‌شود (ادواردز^۲ و همکاران، ۲۰۱۳؛ عریف^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ مدھیوب و بوجلبن^۴، ۲۰۲۴). اگرچه این رفتار می‌تواند به نفع سرمایه‌گذاران و بستانکاران باشد، ولی از دیدگاه سایر ذینفعان، رفتاری غیراخلاقی و در تضاد با منافع عموم و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت محسوب می‌شود.

سه جنبه وجود دارد که از طریق آنها اجتناب مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری با انگیزه هم‌افزایی برای شرکت‌هایی که از نظر مالی دچار مشکل هستند، عمل کند. اول، به حداقل رساندن هزینه‌های مالیاتی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا از حاشیه سود بالاتر و احتمال برآورده کردن یا شکست دادن انتظارات تحلیلگران برخوردار شوند (خان و همکاران، ۲۰۱۷). دوم، پس‌انداز نقدی ناشی از پرداخت کمتر مالیات، منبع تأمین مالی از یک صندوق داخلی است که می‌تواند برای تأمین مالی عملیات استفاده شود، به‌ویژه در شرایطی که منابع تأمین مالی بدهی و سهام، برای آنها گران‌تر یا دشوارتر است (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۳). پس‌انداز نقدی حاصل از استراتژی مالیاتی را می‌توان از کاهش درآمد مشمول مالیات گزارش شده جاری یا افزایش اعتبار مالیاتی برای کاهش مالیات پرداختی یا افزایش بازپرداخت مالیات به دست آورد.

سوم، از آنجایی که شرکت‌هایی که در شرایط نابسامان مالی قرار دارند، گزینه‌های محدودی برای بقاء دارند، مدیران انگیزه‌های بیشتری برای پذیرش ریسک‌های بیشتر، به ویژه رفتار تغییر ریسک خواهند داشت. از این‌رو، از منظر تئوری نمایندگی، اجتناب مالیاتی یک استراتژی منطقی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های دارای بحران مالی است. چراکه مدیران با به‌کارگیری

1. Khan

2. Edwards

3. Ariff

4. Medhioub & Boujelbene

استراتژی‌هایی برای به حداقل رساندن هزینه‌ها و ذخیره وجوه نقد، ابتکاراتی را برای افزایش ثروت سهامداران انجام می‌دهند. بنابراین، زمانی که شرکت‌ها از نظر مالی در بحران به سر می‌برند، اجتناب از مالیات به عنوان یکی از راه‌حل‌های مناسب برای بقاء تلقی می‌شود؛ زیرا هزینه‌های بالقوه ممکن است کمتر از منافع بالقوه باشد (عریف و همکاران، ۲۰۲۳؛ مدهیوب و بوجلبن، ۲۰۲۴). از سویی، برادشاو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که شرکت‌های دارای بحران مالی در مقایسه با همتایان خود که از نظر مالی محدود نیستند، تمایل بیشتری برای مشارکت در اجتناب مالیاتی دارند. وانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نیز از افشای کیفی شرکت‌ها به عنوان معیار جدیدی از بحران مالی استفاده کرده و نشان دادند شرکت‌هایی که از نظر مالی محدود هستند، از کلمات منفی بیشتری در گزارش‌های مالی خود استفاده کرده و از پوشش مالیاتی تهاجمی‌تری استفاده می‌کنند. به ویژه، شرکت‌های دارای بحران مالی، شواهدی از سطوح بالاتری از مزایای مالیاتی شناسایی نشده و نرخ‌های موثر مالیاتی پایین‌تر در کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان می‌دهند. بنابراین، بحران مالی می‌تواند انگیزه‌های رفتار اجتناب مالیاتی را افزایش دهد.

از طرفی، مدیران شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه شده‌اند، بدلیل کاهش سودآوری و در نتیجه کاهش قیمت سهام و پاداش خود، انگیزه‌های بالایی برای استفاده از اقلام تعهدی اختیاری و دستکاری سود دارند. انجام چنین اعمالی منجر به کاهش کیفیت سود و کاهش کیفیت اطلاعات مالی می‌گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). بحران مالی شرکت‌ها یکی از عواملی است که در صورت مواجه شدن با آن، مدیریت شرکت دست به عملکردهای خاصی می‌زند و به تبع آن سود حسابداری را به عنوان یکی از بارزترین اقلام ارزیابی عملکرد، در زمان مواجه با بحران مالی دستکاری می‌کنند. شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه هستند، برای رهایی از هزینه‌های ورشکستگی، دست به مدیریت سود می‌زنند و از اقلام تعهدی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها بهره می‌برند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر، مدیران شرکت‌های گرفتار در بحران مالی، به دنبال خوب نشان دادن خود در بازار هستند تا از کاهش ارزش شرکت‌ها جلوگیری کنند. برخی از مدیران برای رسیدن به سود مورد نظر، از اقلام اختیاری برای مدیریت سود در پایان سال استفاده می‌کنند (المبارک^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، دور از انتظار نیست که در شرایط بحران مالی، شرکت مدیریت سود را افزایش دهد.

1. Bradshaw

2. Wang

3. Almubarak

اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسأله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است، تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند. رفتارهای اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منابع مالی را در اختیار شرکت قرار دهد که موجب افزایش سودآوری و کاهش اهرم مالی شرکت گردد که همراه با دستکاری در صورت‌های مالی و مدیریت سود خواهد بود و در نقطه مقابل آن هم می‌تواند موجب بی‌اعتباری شرکت و افزایش هزینه نمایندگی شود (اسکندری و درستان، ۱۴۰۱). تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی را می‌توان در تئوری رفتارهای منفعت‌طلبی مدیران جستجو نمود. مدیران منفعت‌طلب، با تصمیماتی که می‌گیرند، با اقدامی فرصت‌طلبانه، شرکت را بزرگ‌تر از اندازه بهینه می‌نمایند. تصمیمات فرصت‌طلبانه‌ای مانند مدیریت سود، هزینه‌های سرمایه‌ای بیش از حد، رشد دارایی‌ها فراتر از سطح بهینه و تصاحب شرکت‌های جدید، اغلب به عنوان منفعت‌طلبی مدیریت در نظر گرفته می‌شوند (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶). فرصت‌طلبی مدیریتی می‌تواند از طریق فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تشدید شود (دسای و دارماپالا^۲، ۲۰۰۹). بر این اساس، دسای^۳ و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که چگونه یک سیستم مالیاتی ناکارآمد به مدیران اجازه می‌دهد تا رفتارهای غیراخلاقی رانت‌خواهی را با ایجاد هزینه برای دولت، از طریق پرداخت کمتر مالیات افزایش دهند. چندین مطالعه شواهدی را ارائه می‌دهند که فرصت‌طلبی مدیریتی از طریق فعالیت‌های اجتناب مالیاتی همانند دستکاری سود و انحراف مستقیم منابع برای استفاده شخصی مدیران، انجام می‌شود. نظریه نمایندگی استدلال می‌کند که مدیران از طریق اقداماتی مانند مدیریت سود، انگیزه دارند از منابع شرکت در راستای منافع خصوصی خود از قبیل دریافت پاداش و ثبات جایگاه شغلی استفاده نمایند (جنسن، ۱۹۸۶). بنابراین، می‌توان تصور نمود، در شرکت‌هایی که مدیریت سود بیشتری صورت می‌پذیرد، اجتناب مالیاتی نیز بالاتر باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که بحران مالی عاملی برای افزایش اجتناب مالیاتی و مدیریت سود به‌شمار می‌رود و شرکت‌هایی که دچار بحران مالی هستند از ابزارهای مختلفی برای خروج از این فشار استفاده می‌نمایند که مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می‌تواند به ایشان در این مسیر کمک زیادی نماید؛ زیرا هر دو اقدام باعث افزایش سود و خوب نشان دادن وضعیت شرکت نزد شرکای

1. Jensen & Meckling
2. Desai & Dharmapala
3. Desai

تجاری خواهد شد. از سویی براساس تئوری‌های نمایندگی و منفعت‌طلبی، می‌توان گفت که مدیریت سود نیز می‌تواند خود محرکی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها باشد و در شرکت‌هایی که به مدیریت سود می‌پردازند، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است و در چنین فضایی اجتناب مالیاتی نیز ساده‌تر صورت می‌پذیرد. بنابراین، با فرض همزمانی بحران مالی، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی و جهت تأثیرگذاری این متغیرها بر یکدیگر، از نظر آماری می‌توان انتظار داشت که مدیریت سود در رابطه بحران مالی و اجتناب مالیاتی، نقش میانجیگری داشته باشد. لذا، برای اطمینان از این ادعا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که: آیا مدیریت سود در رابطه بحران مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق، نقش میانجیگری دارد؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش که همانا آزمون نقش میانجی‌گری مدیریت سود در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی است، می‌بایست فرضیه‌های زیر را به ترتیب مورد آزمون قرار داد:

فرضیه اول: بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق دارد.

فرضیه دوم: بحران مالی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق دارد.

فرضیه سوم: مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق دارد.

فرضیه چهارم: مدیریت سود در تأثیر بحران مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق نقش میانجی‌گری دارد.

۳. پیشینه پژوهش

سیروت^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر درماندگی مالی و مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با حاکمیت شرکتی خوب، به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در شرکت‌های ثبت شده در بخش زیرساخت‌های اندونزی طی دوره ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ با استفاده از داده‌های ۶۶ شرکت پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که هم درماندگی مالی و هم مدیریت سود به طور قابل توجهی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های بخش زیرساخت تأثیر می‌گذارد.

بایاردو^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «محدودیت مالی، مدیریت سود و چهار شرکت بزرگ حسابرسی در بازارهای نوظهور»، با گردآوری اطلاعات از ۲۰ کشور با اقتصاد نوظهور طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸، نشان دادند که محدودیت مالی بر مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. علاوه بر این، در شرکت‌هایی که توسط چهار موسسه بزرگ حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند، تأثیر محدودیت مالی بر مدیریت سود کاهش یافته است.

قادر^۲ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «نقش فرار مالیاتی در خطر ورشکستگی شرکت‌ها: مطالعه موردی در منطقه کردستان عراق»، شرکت‌های منطقه کردستان عراق و به ویژه اربیل را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌ها باید بتوانند اثرات/عواقب فرار مالیاتی بر ریسک شرکت و نوسانات نرخ مالیات آتی را مشاهده کنند، تا سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری مطمئن در شرکت را حفظ نمایند. کنترل اجتناب از مالیات شرکت‌ها با اعمال مدیریت مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی، تهاجم مالیاتی و فرار مالیاتی، تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک ورشکستگی شرکت‌ها دارد.

سعید و خدهر^۳ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش کاهش شیوه‌های مدیریت سود در فرار مالیاتی در منطقه کردستان عراق»، ۱۴ شرکت پذیرفته شده در بورس عراق که در منطقه کردستان عراق فعالیت داشتند را طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که با کاهش مدیریت سود واقعی و تعهدی در نمونه مورد بررسی، میزان اجتناب مالیاتی به صورت معناداری کاهش یافته است.

رحمانیان کوشکی و معصومی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «نقش مدیریت سود در تأثیر معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی»، با بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰، نشان دادند که معاملات با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس دارد. ولی، مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارد. همچنین، معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود تأثیر مستقیم دارد. اندازه شرکت بر مدیریت سود تأثیر مستقیم دارد. معاملات با اشخاص وابسته نیز بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجی‌گری مدیریت سود تأثیر دارد.

1. Baiardo

2. Qader

3. Saeed & Khedher

یادگاری و هاشم‌زاده (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، نمونه‌ای متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۰ را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش مدیریت سود، افزایش اجتناب مالیاتی را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، ارتباطات سیاسی رابطه بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند.

علی‌نقی لنگری و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر درماندگی مالی بر مدیریت سود با نقش تعدیل‌گری کنترل داخلی»، علاوه بر بررسی رابطه درماندگی مالی و میزان استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود واقعی و تعهدی، به بررسی رابطه تعدیل‌گری ضعف در نظام کنترل‌های داخلی و میزان استفاده از فنون مدیریت سود تعهدی و واقعی پرداختند. در این راستا، از اطلاعات ۱۳۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸ استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بدون در نظر گرفتن متغیر تعدیل‌گر ضعف در کنترل داخلی، درماندگی مالی بر مدیریت سود تعهدی تأثیر مثبت و بر مدیریت سود واقعی، تأثیر منفی دارد. با در نظر گرفتن متغیر ضعف در کنترل داخلی، مشخص شد که این متغیر نقش تعدیل‌کنندگی بین درماندگی مالی و مدیریت سود تعهدی ایفا می‌کند، ولی نقش تعدیل‌کنندگی بین درماندگی مالی و مدیریت سود واقعی ایفا نمی‌کند.

قوت‌مند جزی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیاتی»، از تحلیل استاتیک مقایسه‌ای برای ارائه چهارچوبی نظری در خصوص شناسایی اثر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی استفاده کرده و جهت انجام آزمون‌های تجربی از آزمون یومن ویتنی برای مقایسه تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی استفاده شده است. به منظور انجام آزمون‌های تجربی، داده‌های سالانه ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۹ بررسی شده است. نتایج بیانگر آن است که معیار اجتناب مالیاتی مبتنی بر جریان‌های نقد عملیاتی که در تحقیقات پیشین استفاده شده، شامل «اثر صورت» بوده و با احتمال کمتری تحت تأثیر مدیریت سود (اثر مخرج) قرار دارد. استفاده از یک معیار اجتناب مالیاتی بر پایه جریان‌های نقدی یا بر پایه سود حسابداری، می‌تواند منجر به انحراف نتایج مطالعات تجربی در این حوزه گردد.

تاجمیر ریاحی و اسدی (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر آشفتگی‌های بازار مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این راستا، شرکت‌های

بورسی در سال‌های بین ۱۳۸۰-۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که بین آشفته‌گی مالی و اجتناب از مالیات، رابطه منفی و معنادار و بین نسبت جاری و اجتناب از مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴. روش پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش رابطه بین چند متغیر مورد بررسی قرار گرفته است، لذا یک پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد. از آنجایی که در فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، نوعی پژوهش کاربردی نیز محسوب می‌شود، به علاوه، این پژوهش از لحاظ نوع داده‌ها اسنادی و از لحاظ زمان اجرا، پس‌رویدادی است. همچنین برای آزمون فرضیه‌ها، از داده‌های ترکیبی (سال-شرکت) با ماهیت گذشته‌نگر استفاده شده و داده‌های مورد نیاز با مراجعه به وبگاه مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار عراق گردآوری شده است. جامعه مورد مطالعه شامل همه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۲۲ می‌باشد، از بین این شرکت‌ها، ۴۱ شرکت به عنوان نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک و با توجه به این شرایط انتخاب شدند: شرکت‌ها قبل از سال ۲۰۱۳ در بازار بورس اوراق بهادار عراق پذیرفته شده باشند و نام آنها تا پایان سال ۲۰۲۲ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد. به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از نوع بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه و لیزینگ نباشند. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان سال تقویمی باشد. در دوره زمانی تحقیق، تغییر سال مالی نداشته باشند. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش قابل دسترس باشد.

۵. تبیین و اندازه‌گیری متغیرها

۵-۱. متغیر وابسته

برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی^۱ از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است: نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t از تقسیم مالیات نقدی پرداختی بر سود قبل از کسر مالیات شرکت i در سال t بدست می‌آید (غلامعلی و فولادی، ۱۴۰۱). با توجه به اینکه هرچه نرخ مؤثر مالیاتی کمتر باشد، اجتناب از مالیات بیشتر است، نسبت بالا در (۱-) ضرب می‌شود تا اجتناب مالیاتی بدست آید (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

۲-۵. متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش بحران مالی^۱ است که برای برآورد آن، از مدل کاپلان و زینگالس^۲ (۱۹۹۷) به شرح رابطه (۱) استفاده شده است:

$$KZ = -1.002 * \left(\frac{CashFlow_{i,t}}{TotalAssets_{i,t}} \right) + 0.283 * \frac{M_{i,t}}{B_{i,t}} + 3.139 * \left(\frac{Debt_{i,t}}{TotalCapital_{i,t}} \right) - 39.369 * \left(\frac{Div_{i,t}}{TotalAssets_{i,t}} \right) - 1.315 * \left(\frac{CashHolding_{i,t}}{TotalAssets_{i,t}} \right) \quad \text{رابطه (۱)}$$

KZ: معیار محدودیت مالی شرکت،

CashFlow: جریان‌های نقدی شرکت،

TotalAssets: کل دارایی‌ها،

M/B: نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری آن سهام،

Debt: کل بدهی‌های شرکت،

TotalCapital: حقوق صاحبان سهام عادی،

Div: سود پرداختی به سهامداران،

CashHolding: نگهداشت وجه نقد که برابر است با مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های

کوتاه‌مدت.

۳-۵. متغیر میانجی

متغیر میانجی در این پژوهش، مدیریت سود است که از مدل مدیریت سود برای اندازه‌گیری آن استفاده می‌شود. در بررسی کتابشناسی مدیریت سود، مشخص شد که تعداد زیادی از پژوهشگران این حوزه از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان جایگزینی مناسب برای متغیر مدیریت سود استفاده نموده‌اند. شمس و همکاران (۱۳۹۵) برای تعیین اینکه کدام یک از مدل‌های موجود در زمینه مدیریت سود، برای تجزیه و تحلیل‌های اصلی تحقیق و آزمون فرضیه‌ها مناسب‌تر است، معنی‌داری هر یک از این مدل‌ها را به صورت جداگانه و به تفکیک هر صنعت با استفاده از سری‌های زمانی و با استفاده از آماره‌های ضریب تعیین^۳، آماره F و سطح معنی‌داری F و آماره دوربین-واتسون، آزمون نمودند. با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد که مدل بهینه، مدل کازنیک^۴ (۱۹۹۹) است؛ زیرا این مدل

1. KZ

2. Kaplan & Zingales

3. R Square

4. Kasznik

در مقایسه با سایر مدل‌ها در هر صنعت، مقدار ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعدیل شده بیشتری دارد (شمس و همکاران، ۱۳۹۵). این موضوع بیانگر قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر این مدل در مقایسه با سایر مدل‌ها است (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین، متغیر مدیریت سود با استفاده از شاخص ارقام تعهدی، به وسیله مدل کازنیک (۱۹۹۹) و به شرح مدل (۱) محاسبه می‌شود. ابتدا ارقام تعهدی از طریق مدل (۱) به شرح زیر استخراج شده و سپس ارقام تعهدی اختیاری به عنوان نمادی برای مدیریت سود که در این پژوهش با نماد ADAC نشان داده شده است، استفاده می‌شود.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = a_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + a_1 \frac{(\Delta REV_{i,t-1} REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} + a_2 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + a_3 \frac{\Delta CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

به طوری که: $TA_{i,t}$: مجموع ارقام تعهدی قابل اندازه‌گیری (تفاوت بین سود عملیاتی و جریانات نقدی عملیاتی)

$A_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد فروش خالص شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t

$\Delta REC_{i,t}$: تغییرات در حساب‌های دریافتی تجاری شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t

$PPE_{i,t}$: دارایی‌های ثابت مشهود ناخالص شرکت i در سال t

$\Delta CFO_{i,t}$: تغییرات در جریانات نقدی عملیاتی شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t

$\varepsilon_{i,t}$: جزء اخلاص (نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری^۱، به عنوان شاخصی از مدیریت سود می‌باشد).

۴-۵. تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای کنترلی

در پژوهش حاضر متغیرهای بازده دارایی‌ها، نسبت بدهی و اندازه شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است.

۴-۵-۱. بازده دارایی‌های شرکت

با توجه به اینکه مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه، سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد. بنابراین، متغیر سودآوری که از تقسیم درآمد قبل از کسر مالیات بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید، به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

۲-۴-۵. نسبت بدهی بر جمع دارایی‌ها یا نسبت اهرمی شرکت

اهرم مالی از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. متغیر اهرم مالی به منظور کنترل بدهی‌های مالیاتی و غیرمالیاتی شرکت در نظر گرفته شده است (چن و زولوتوی، ۲۰۱۴)

۳-۴-۵. اندازه شرکت

این متغیر با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. متغیر اندازه شرکت به منظور کنترل هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).

۶. طرح آزمون فرضیه‌ها

۱-۶. آزمون فرضیه اول

برای بررسی فرضیه اول مبنی بر اینکه بحران مالی، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد، از روش رگرسیون چندگانه به شرح مدل (۲) استفاده می‌شود:

$$TAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 KZ_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن:

$TAV_{i,t}$: اجتناب مالیاتی، $KZ_{i,t}$: بحران مالی شرکت، $ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌ها، $Lev_{i,t}$: اهرم مالی شرکت، و $Size_{i,t}$: اندازه شرکت می‌باشند. در صورتی که ضریب β مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود.

۲-۶. آزمون فرضیه دوم

برای بررسی فرضیه دوم مبنی بر اینکه بحران مالی، مدیریت سود را افزایش می‌دهد، از مدل رگرسیون چندگانه (۳) به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$ADAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 KZ_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن:

$ADAC_{i,t}$ مدیریت سود را نشان می‌دهد. در صورتی که ضریب β مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

۳-۶. آزمون فرضیه سوم

برای بررسی فرضیه سوم مبنی بر اینکه مدیریت سود، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد، از مدل رگرسیون چندگانه (۴) به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$TAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ADAC_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

در صورتی که ضریب β مثبت و معنی دار باشد، فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود.

۴-۶. آزمون فرضیه چهارم

برای بررسی فرضیه چهارم مبنی بر اینکه مدیریت سود در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی نقش میانجی دارد، از روش پیشنهادی بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) استفاده شده است. در این روش، از یک فرایند چهار مرحله‌ای استفاده می‌شود. ابتدا تأثیر متغیر مستقل (بحران مالی) بر متغیر وابسته (اجتناب مالیاتی) با استفاده از مدل (۲) آزمون شده، سپس تأثیر متغیر مستقل (بحران مالی) بر متغیر میانجی (مدیریت سود) با استفاده از مدل (۳) آزمون می‌شود. در مرحله سوم تأثیر متغیر میانجی (مدیریت سود) بر متغیر وابسته (اجتناب مالیاتی) با استفاده از مدل (۴) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نهایتاً در مرحله چهارم، تأثیر همزمان متغیر مستقل (بحران مالی و متغیر میانجی (مدیریت سود) بر متغیر وابسته (اجتناب مالیاتی) توسط مدل (۵) بررسی خواهد شد.

$$TAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 KZ_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$ADAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 KZ_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$TAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ADAC_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$TAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 KZ_{i,t} + \beta_2 ADAC_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

در چارچوب روش بارون و کنی، برقراری شروط زیر ضروری است:

شرط اول: متغیر مستقل با متغیر وابسته، رابطه معنادار داشته باشد.

شرط دوم: معناداری رابطه بین متغیرهای مستقل و میانجی تأیید شود.

شرط سوم: معناداری رابطه بین متغیر میانجی و وابسته تأیید شود.

شرط چهارم: وقتی متغیر میانجی وارد معادلات رگرسیونی می‌شود، رابطه بین متغیر مستقل و وابسته غیرمعنادار شود، که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی‌گر کامل است و یا اینکه این رابطه در حضور متغیر میانجی کاهش یابد، ولی همچنان معنادار باقی بماند، که در این حالت نقش متغیر میانجی‌گر، جزئی خواهد بود (عزیزی، ۱۳۹۲).

۱-۴-۶. آزمون سوبل، آروین و گودمن^۱

برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی، آزمون پیکاربردی با عنوان آزمون سوبل، آروین و گودمن وجود دارد که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌روند. یکی از عیوب این آزمون‌ها آن است که به داده‌های زیادی برای کسب یک نتیجه دقیق و معتبر احتیاج دارد. در مواقعی که حجم نمونه اندک است، می‌بایست از فرمان بوت استرپینگ^۲ استفاده نمود و اجرای این آزمون‌ها بی‌فایده و اضافی است (پریچر و لئوناردلی^۳، ۲۰۱۰). در آزمون سوبل، آروین و گودمن، یک مقدار Z-value از طریق فرمول‌های زیر بدست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱/۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود.

جدول ۱- آزمون سوبل

$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2)}}$	آزمون سوبل
$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2) + (sa^2 \times sb^2)}}$	آزمون آروین
$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2) - (sa^2 \times sb^2)}}$	آزمون گودمن

که در این روابط:

a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

Sa: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی

Sb: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. آمار توصیفی

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای مطالعه را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه می‌باشد.

1. Sobel, Aroian & Goodman

2. Boot Strapping

3. Preacher & Leonardelli

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اجتناب مالیاتی (TAV)	۰/۱۵۲	۰/۵۵۹	-۲/۱۷۷	۸/۴۸۵
بحران مالی (KZ)	۰/۷۰۶	۰/۷۸۶	-۱/۱۵۴	۲/۹۱۲
مدیریت سود (ADAC)	۰/۰۲۵	۰/۲۷۶	-۰/۵۵۲	۳/۰۳۷
بازده دارایی‌ها (ROA)	-۰/۰۳۲	۰/۳۶۷	-۴/۳۳۸	۰/۳۳۷
اهرم مالی (LEV)	۰/۲۹۹	۰/۲۴۰	۰/۰۰۲	۰/۹۷۲
اندازه شرکت (SIZE)	۲۲/۵۲۲	۱/۴۲۸	۱۹/۲۴۵	۲۶/۸۹۵

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها ست. برای مثال، مقدار میانگین برای متغیر اجتناب مالیاتی برابر با ۰/۱۵۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها اهرم مالی کمترین و متغیر اندازه شرکت بیشترین میزان پراکندگی را دارد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تغییرات را دارند.

۲-۷. آزمون اف لیمر^۱

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول (۳)، احتمال آماره F محاسبه شده برای مدل‌های (۲)، (۳)، (۴) و (۵) از ۰/۰۵ کوچک‌تر بوده و فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد می‌شود. در نتیجه، داده‌ها در هر چهار مدل پژوهش، تابلویی می‌باشند.

جدول ۳- آزمون اف لیمر

مدل	آماره آزمون	سطح احتمال	نتیجه
مدل (۲)	۷/۲۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۳)	۷/۱۹	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۴)	۳۳/۵۳	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۵)	۲۴/۸۵	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

۳-۷. آزمون هاسمن

با توجه به جدول (۴) مشاهده می‌شود که احتمال آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش، عدد

(۰/۰۰۰) و کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، از روش اثرات ثابت در برآورد همه چهار مدل پژوهش استفاده می‌گردد.

جدول ۴- آزمون هاسمن

مدل	مقدار آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه
مدل (۲)	۵۳/۰۳	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۳)	۵۲/۱۷	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۴)	۳۰/۱۵	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۵)	۴۳/۹۵	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است

۴-۷. آزمون عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها

نتایج آزمون تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی برای مدل‌های (۲)، (۳)، (۴) و (۵) در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵- آزمون وولدریج^۱

مدل	آماره آزمون	احتمال آماره
مدل (۲)	۱۱/۳۷۴	۰/۰۰۲
مدل (۳)	۱۱/۳۴۰	۰/۰۰۲
مدل (۴)	۸/۵۳۶	۰/۰۰۵
مدل (۵)	۱۲/۱۵۰	۰/۰۰۱

با توجه به جدول (۵) و مقدار احتمال آماره‌های بدست آمده برای آزمون که از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، فرض صفر رد می‌شود که نشان می‌دهد مشکل خودهمبستگی در اجزای اخلاقی هر چهار مدل (۲)، (۳)، (۴) و (۵) وجود دارد.

۵-۷. آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌ها

نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس با استفاده از آزمون والد تعدیل‌شده^۲ در جدول (۶) آمده است. با توجه به نتایج به دست آمده، فرض صفر در هر چهار مدل (۲)، (۳)، (۴) و (۵) رد شده و بنابراین، مشکل واریانس ناهمسانی وجود دارد. برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

1. Wooldridge Test

2. Modified Wald test for groupwise heteroskedasticity

جدول ۶- آزمون والد تعدیل شده

مدل	احتمال آماره	مقدار آماره	نتیجه
مدل (۲)	۱۸۴۷/۹۴	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
مدل (۳)	۱۸۳۸/۸۳	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
مدل (۴)	۴۵۰۵۷/۷۰	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
مدل (۵)	۱۶۸۵/۱۶	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس

۶-۷. آزمون عدم همخطی متغیرهای مستقل

نتایج آزمون عدم هم خطی متغیرهای مستقل با استفاده از معیار عامل تورم واریانس^۱ در جدول (۷) آمده است. همانطور که مشاهده می شود، مقادیر عامل تورم واریانس برای همه متغیرها کمتر از مقدار ۵ است، بنابراین، مشکل هم خطی در متغیرهای هیچ کدام از مدل های رگرسیونی پژوهش وجود ندارد.

جدول ۷- مقادیر عامل تورم واریانس

متغیر	مقدار عامل تورم واریانس			
	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
KZ	۱/۰۰	۱/۰۱	-	۱/۰۸
ADAC	-	-	۱/۰۱	۱/۰۱
ROA	۱/۰۵	۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۱۳
LEV	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۰
SIZE	۱/۰۵	۱/۰۵	۱/۰۵	۱/۰۶

نتایج برازش مدل (۲) جهت آزمون فرضیه اول در جدول (۸) آمده است.

۸. آزمون فرضیات پژوهش

۸-۱. فرضیه اول

نتایج حاصل از برازش نهایی مدل (۲) به منظور بررسی فرضیه اول تحقیق، در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸- نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه اول (متغیر وابسته اجتناب مالیاتی)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره زد	احتمال آماره
بحران مالی	KZ	۰/۳۴۴	۰/۰۵۶	۶/۱۳	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۹۳	۰/۰۳۹	-۴/۹۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۳/۰۷۰	۰/۰۷۵	۴۰/۷۴	۰/۰۰۰

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره زد	احتمال آماره
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	۰/۲۲	۰/۸۲۵
ضریب ثابت	Cons	-۰/۲۲۵	۰/۳۴۰	-۰/۶۶	۰/۵۰۸
آماره کای دو والد		۱۸۸۰/۵۸		احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار احتمال آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد که برابر با صفر می باشد، فرض صفر رد می شود و این نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین، به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به جدول (۸)، مقدار احتمال آماره Z برای متغیر بحران مالی (KZ) که برابر ۰/۳۴۴ می باشد، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش که بیان می دارد، بحران مالی اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می دهد، پذیرفته می شود.

۲-۸. فرضیه دوم

نتایج برازش مدل (۳) جهت آزمون فرضیه دوم در جدول (۹) آمده است.

جدول ۹- نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه دوم
(متغیر وابسته مدیریت سود)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره زد	احتمال آماره
بحران مالی	KZ	۰/۰۴۹	۰/۰۳۹	۱/۶۹	۰/۰۹۰
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۲۰۱	۰/۰۳۸	-۵/۲۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۳/۶۰۸	۰/۰۷۵	۴۰/۸۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	۰/۲۳	۰/۸۲۰
ضریب ثابت	Cons	-۰/۲۲۶	۰/۳۳۷	-۰/۶۷	۰/۵۰۲
آماره کای دو والد		۱۸۹۷/۰۱		احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۹)، آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد جهت بررسی معنی داری کلی مدل رگرسیون در روش حداقل مربعات تعمیم یافته، ۱۸۹۷/۰۱ و احتمال این آماره برابر با ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه احتمال این آماره از ۰/۰۵ کمتر است، فرض صفر رد شده و مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می باشد. براساس جدول (۹)، ضریب متغیر بحران مالی (KZ)، که بیانگر اثر شاخص بحران مالی بر مدیریت سود می باشد، برابر ۰/۰۴۹ است. با توجه به مقدار احتمال آماره Z این ضریب، که برابر ۰/۰۹۰ و بزرگ تر از سطح خطای ۵ درصد است، این متغیر در سطح ۰/۰۵ معنی دار نیست. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش که بیان می دارد، بحران مالی، مدیریت سود را افزایش می دهد، پذیرفته نمی شود.

۳-۸. فرضیه سوم

نتایج برازش مدل (۴) جهت آزمون فرضیه سوم در جدول (۱۰) آمده است.

جدول ۱۰- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه سوم (متغیر وابسته اجتناب مالیاتی)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	احتمال آماره
مدیریت سود	ADAC	۰/۳۰۶	۰/۰۶۳	۴/۸۳	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۱۲	۰/۰۱۴	۰/۸۶	۰/۳۹۲
اهرم مالی	LEV	۳/۰۸۳	۰/۰۷۹	۳۹/۰۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	-۰/۶۳	۰/۵۳۱
ضریب ثابت	cons	۲۲/۳۲۵	۰/۰۳۰	۷۳۳/۵۷	۰/۰۰۰
آماره کای دو والد	۲۴/۰۶		احتمال آماره		۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱۰)، آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد به منظور بررسی معنی داری کلی مدل رگرسیون در روش حداقل مربعات تعمیم یافته، $24/06$ و احتمال این آماره برابر با $0/000$ می باشد. با توجه به اینکه احتمال این آماره از $0/05$ کمتر می باشد، فرض صفر رد شده و مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می باشد. براساس جدول (۱۰)، ضریب متغیر مدیریت سود،^۱ که بیانگر اثر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی شرکت می باشد، برابر $0/306$ بوده و در سطح یک درصد معنی دار می باشد. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش که بیان می دارد، مدیریت سود، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می دهد، پذیرفته می شود.

۴-۸. فرضیه چهارم

نتایج برازش مدل (۵) جهت آزمون فرضیه چهارم در جدول (۱۱) آمده است.

جدول ۱۱- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه چهارم (متغیر وابسته اجتناب مالیاتی)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال آماره
بحران مالی	KZ	۰/۲۱۴	۰/۰۰۶	۳۳/۶۶	۰/۰۰۰
مدیریت سود	ADAC	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۹۷	۰/۳۳۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۲۶	۰/۰۱۰	۲/۵۲	۰/۰۱۲
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۳۳	۰/۷۴۳
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	-۰/۹۰	۰/۳۶۶
ضریب ثابت	cons	۰/۴۶۲	۰/۱۱۷	۲/۲۴	۰/۰۲۵
آماره کای دو والد	۱۱۷۴/۹۵		احتمال آماره کای دو		۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱۱)، آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد برابر $1174/95$ و احتمال این آماره برابر با (۰) می باشد، در نتیجه مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. برای بررسی فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه مدیریت سود در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی نقش میانجی دارد، از روش پیشنهادی بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) که در طرح آزمون فرضیات توضیح داده شده است، استفاده گردید. با توجه به اینکه فرضیه دوم که یکی از پیش شرطهای تأیید فرضیه چهارم پژوهش است، مورد قبول قرار نگرفت، لذا، نمی توان نقش میانجی گری مدیریت سود را در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی پذیرفت. نتیجه برازش مدل (۵) که همان مرحله چهارم روش بارون و کنی (۱۹۸۶) می باشد، در جدول (۱۱) آمده است. براساس جدول (۱۱)، ضریب متغیرهای بحران مالی و مدیریت سود به ترتیب برابر $0/214$ و $0/006$ می باشد، حال آنکه متغیر بحران مالی در سطح ۵ درصد معنی دار، ولی ضریب متغیر مدیریت سود معنی دار نیست. بنابراین، نمی توان نقش میانجی گری متغیر مدیریت سود را پذیرفت، لذا، فرضیه چهارم تحقیق تأیید نمی شود.

۹. نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که بحران مالی، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می دهد. این یافته با نتایج تحقیق سیروت (۲۰۲۴)، هاگ^۲ و همکاران (۲۰۲۳) و ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد. در مورد این یافته می توان گفت که محدودیت های مالی، منافع حاصل از ذخیره مالیاتی را افزایش می دهد و شرکت هایی که دچار درماندگی مالی هستند، برای رسیدن به جریانات نقدی بیشتر، اقدام به اجتناب مالیاتی می کنند. یافته دیگر اینکه، بحران مالی، مدیریت سود را افزایش نمی دهد. این یافته با نتایج تحقیق بایاردو و همکاران (۲۰۲۲) در تضاد است. یافته های پژوهش آنها نشان داد که محدودیت مالی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، تأثیر مثبت و معناداری داشته است. ولی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق، این فرضیه تأیید نشده است. این موضوع را می توان با توجه به نتایج فرضیه اول تحقیق اینگونه تفسیر نمود که مدیران در شرایط بحران مالی، از ابزارهای دیگری مانند اجتناب مالیاتی استفاده می کنند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق حاضر نشان داد که مدیریت سود، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می دهد. این یافته با نتایج تحقیق ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۵)، پورحیدری و شفعی همت آباد (۱۳۹۲) همخوانی دارد. نتایج را می توان اینگونه تفسیر نمود که مدیران برای دستیابی

1. Baron & Kenny

2. Haque

به منافع خود نظیر پاداش، حفظ موقعیت شغلی، نمایش بهتر عملکرد شرکت، دریافت وام، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، انعقاد قراردادهای مختلف و صرفه‌جویی‌های مالیاتی، سود شرکت را دستکاری می‌کنند. دستکاری سود همیشه به معنای بیشتر از واقع نشان دادن سود نیست، بلکه برخی مواقع مدیران ترجیح می‌دهند که از طریق کاهش سود، مانع خروج وجه نقد اضافی از شرکت به دلیل پرداخت سود سهام یا پرداخت مالیات شوند. به عبارتی، یکی از راه‌های مدیریت سود، مدیریت سیاست‌های مالیاتی است. انگیزه شرکت‌ها برای هموار کردن سود، حداقل نمودن تأثیر مالیات در طول زمان است. از آنجا که سود بیشتر شرکت منجر به پرداخت مالیات بیشتر و خروج نقدینگی می‌شود، به ویژه در مواقعی که شرکت دارای بدهی‌های مالیاتی قابل توجهی می‌باشد، مدیر انگیزه دارد دست به مدیریت سود بزند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق، نقش میانجی‌گری مدیریت سود در رابطه بین بحران مالی و اجتناب مالیاتی پذیرفته نمی‌شود. ممکن است مدیران در شرایط بحران مالی به جای مدیریت سود از ابزارهایی مانند مدیریت سیاست مالیاتی شرکت، معافیت‌های مالیاتی، کاهش و صرفه‌جویی واقعی در هزینه‌ها، مدیریت افزایش فروش از طریق بازاریابی و... یا روش‌های دیگری استفاده نمایند.

با توجه به تأثیر مثبت بحران مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق می‌توان نتیجه گرفت که بحران مالی شرکت‌ها باعث اجتناب آنها از پرداخت مالیات و در نتیجه، کاهش درآمد مالیاتی کشور می‌شود. لذا، رفتار اجتناب مالیاتی در تضاد با منافع عموم و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین، اجرای سیاست‌های اعطای اعتبار به شرکت‌های بحران‌زده توسط دولت می‌تواند باعث بهبود وضعیت مالی و جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه و غیراخلاقی مدیران و ورشکستگی شرکت‌ها گردد. از طرفی، با توجه به اینکه مدیریت سود، اجتناب مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد، پیشنهاد می‌گردد با بهبود سیستم‌های نظارتی و راهبری شرکتی، یا افزایش کارایی بازار سرمایه، اقدام به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و استفاده‌کنندگان گزارشات مالی نمود؛ زیرا، در صورت افزایش تقارن اطلاعاتی، رفتار مدیران برای دستکاری سود ناموفق خواهد بود. در نتیجه، از یک طرف شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و از طرف دیگر، با کاهش اجتناب مالیاتی می‌توان اقدام به اخذ مالیات منصفانه در جامعه نمود.

با توجه به تأثیر مثبت بحران مالی و مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی، پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی، به بررسی تأثیر تعدیلی یا میانجی نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین بحران مالی و مدیریت سود با اجتناب مالیاتی پرداخته شود. براساس تئوری نمایندگی، ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی می‌تواند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی شده و در نتیجه، رفتار

فرصت طلبانه مدیران را تعدیل نماید. با توجه به اینکه مالیات یکی از منابع عمده درآمدهای دولتی است، تأثیر مالکیت یا نفوذ دولت در شرکت‌ها نیز می‌تواند به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر بر رابطه بین متغیرهای مذکور، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. از آنجایی که کارایی بازار می‌تواند در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مؤثر باشد، بررسی کارایی بازار و تأثیر آن بر مدیریت سود و اجتناب مالیاتی می‌تواند به عنوان یک موضوع قابل توجه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. همچنین، در موضوعات مربوط به مدیریت سود و اجتناب مالیاتی، می‌توان تأثیر عواملی مانند تعهدات اخلاقی مدیران و فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را مورد توجه قرار داد. در تعمیم نتایج باید به محدودیت‌های تحقیق توجه نمود. در نظر نگرفتن بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر شرکت‌های لیزینگ به دلیل ماهیت متفاوت عملیات و همچنین لحاظ نشدن اثر ریسک‌های سیاسی و ارتباطات سیاسی از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند. همچنین محدودیت مکانی و زمانی تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها باعث احتیاط در تعمیم نتایج به زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌گردد.

منابع

- ابراهیمی، سیدکاظم؛ بهرامی‌نسب، علی؛ ممشلی، رضا (۱۳۹۶). تأثیر بحران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی. *دانش حسابداری*، ۸(۳۰)، ص ۱۴۱-۱۶۵.
- ابراهیمی، کاظم؛ احمدی مقدم، منصور (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت مالیاتی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی. *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۴(۱۳)، ص ۷۷-۹۴.
- اسکندری، علیرضا؛ درستان، سمیه (۱۴۰۱). تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۶۸)، ص ۱۰۸-۱۲۵.
- بنی‌مهد، مهدی؛ یعقوب‌نژاد، احمد؛ شکری، اعظم (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، شماره ۱۲، ص ۱-۱۶.
- پورحیدری، امید؛ شفیع‌ی همت‌آباد، حمیده (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۲(۲)، ص ۴۴-۲۵.
- تاجمیر ریاحی، حامد؛ اسدی، زهرا (۱۴۰۰). تأثیر آشفتگی مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، ۲(۴)، ص ۷۳-۱۰۱.
- رحمانیان کوشکی، عبدالرسول؛ معصومی، عایشه (۱۴۰۳). نقش مدیریت سود در تأثیر معاملات با اشخاص وابسته، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۳(۵۲)، ص ۵۴۹-۵۷۲.
- شمس، مینا؛ فولادی، مسعود؛ فرهادی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر استقلال هیأت مدیره و کیفیت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۳(۱۰)، ص ۶۱-۸۰.
- عرب صالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۱)، ص ۸۵-۱۰۴. <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2015.53669>
- عزیزی، شهریار (۱۳۹۲). متغیرهای میانجی، تعدیل‌گر و مداخله‌گر در پژوهش‌های بازاریابی: مفهوم، تفاوت‌ها، آزمون‌ها و رویه‌های آماری. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۳(۲)، ص ۱۷۶-۱۵۷.
- علینقی لنگری، محمدامین؛ محسنی، حسین؛ موسوی، سید مهدی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر درماندگی مالی بر مدیریت سود با نقش تعدیل‌گری کنترل داخلی. *مطالعات حسابرسی مطهر*، ۱(۱)، ص ۳۷-۶۷.
- غلامعلی، آسیه؛ فولادی، مسعود (۱۴۰۱). بررسی اثر تعدیلی سودآوری بر رابطه بین نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۶(۲۱)، ص ۱۳۳۲-۱۳۱۵.
- قوت‌مند جزی، عبدالمجید؛ عرب مازار یزدی، محمد؛ صفرازاده، محمدحسین (۱۴۰۱). شناسایی تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیات. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۴(۸۲)، ص ۲۳۹-۲۷۶.
- مرادی، مجید؛ پورفخاران، محمدرضا؛ نادری، معصومه (۱۴۰۱). رابطه درماندگی مالی و مدیریت سود با توجه به نقش اندازه حسابرس در دوران رکود. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۴(۱)، ص ۱۳۵-۱۶۰.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶(۲۰)، ص ۸۳-۱۰۳.
- مهرانی، ساسان؛ سیدی، سیدجلال (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۶(۲۴)، ص ۷۵-۵۰.

یادگاری، سعید؛ هاشم‌زاده، نرگس (۱۴۰۲). تأثیر مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۷(۲۵)، ص ۷۷۵-۷۹۳.

- Almubarak, W.I., Chebbi, K. & Ammer, M.A. (2023). Unveiling the Connection among ESG, Earnings Management, and Financial Distress: Insights from an Emerging Market. *Sustainability*, no. 15. <https://doi.org/10.3390/su151612348>
- Ariff, A., Wan Ismail, W.A., Kamarudin, K.A. & Mohd Suffian, M.T. (2023). Financial distress and tax avoidance: the moderating effect of the COVID-19 pandemic. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(3), p. 279-292. <https://doi.org/10.1108/AJAR-10-2022-0347>
- Baiardo, D., Viana, J. & Lourenço, I. (2022). Financial distress, earnings management and Big 4 auditors in emerging markets. *Accounting Research Journal*, 35(2). <https://doi.org/10.1108/ARJ-06-2021-0165>
- Baron R.M. & Kenny, D.A. (1986). The moderator -mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of personality and social psychology*, 51(6).
- Bradshaw, M., Liao, G. & Ma, M.S. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*, 67(2-3), p. 255-277. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2018.10.002>
- Chen, Y., Zolotoy, L. (2014). *Stock Liquidity and Corporate Tax-Avoidance: The Tale of Two Tails*. Available at: ssrn.com.
- Desai, M.A. & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Rev. Econ. Stat.*, 91(3), p. 537-546.
- Desai, M.A., Dyck, A. & Zingales, L. (2007). Theft and taxes. *J. Finan. Econ.*, no. 84, p. 591-623.
- Edwards, A., Schwab, C. & Shelvin, T. (2013). Financial constraints and the incentive for tax planning. *Working paper*. Available at: www.ssrn.com
- Haque, T., Pham, T.P. & Yang, J. (2023). Geopolitical risk, financial constraints, and tax avoidance. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, no. 88. <https://doi.org/10.1016/j.intfin.2023.101858>
- Jensen, M.C. & Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *J. Finan. Econ.*, 3(4), p. 305-360.
- Jensen, M.C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *Amer. Econ. Rev.* no. 76, p. 323-329.
- Kaplan, S.N. & Zingales, L. (1997). Do Investment-Cash Flow Sensitivities Provide Useful Measures of Financing Constraints? *The Quarterly Journal of Economics*, 112(1), p. 169-215.
- Kasznik, R. (1999). On the Association between Voluntary Disclosure and Earnings Management. *Journal of Accounting Research*, 37(1), p. 57-81.
- Khan, M., Srinivasan, S. & Tan, L. (2017). Institutional ownership and corporate tax avoidance: new evidence. *The Accounting Review*, 92(2), p. 101-122.
- Medhioub, N. & Boujelbene, S. (2024). Tax avoidance and cost of debt: does integrated report assurance matter? *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 14(1), p. 75-98. <https://doi.org/10.1108/JAEE-04-2022-0114>

- Preacher, K.J. & Leonardelli, G.J. (2010). *Calculation for the Sobel Test: An Interactive Calculation Tool for Mediation Tests*. URL= <http://www.people.ku.edu/~preacher/sobel/sobel.htm>
- Qader, Kh. & et al. (2023). The Role of Tax Evasion in The Risk of Corporate Bankruptcy: A Field Study in The Business Environment in The Kurdistan Region of Iraq. *Qalaai zanist journal*, 8(3), p.1037–1058. <https://doi.org/10.25212/lfu.qzj.8.3.42>
- Saeed, L.M., & Khedher, R.O. (2020). The Role of Reducing Profit Management Practices on Tax Evasion in the Kurdistan Region of Iraq: An Exploratory Study of the Opinions of a Sample of Auditors and Appraisers in the Corporate Tax Department. *Polytechnic Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(2), p.50-65. <https://doi.org/10.25156/ptjhss.v1n2y2020.pp50-65>
- Sirof, S.B. (2024). Investigates the relationship between financial distress, earning management, and tax avoidance within the context of registered infrastructure sector companies on the Indonesian Stock Exchange during the period from 2019 to 2021. *JANUARY*, 3(2). <https://doi.org/10.55047/cashflow.v3i2.891>
- Wang, F., Xu, S., Sun, J. & Cullinan, C.P. (2020). Corporate tax avoidance: a literature review and research agenda. *Journal of Economic Surveys*, 34(4), p. 793-811.